

نمره ی فقهی حقیقت شرعی و متشرعی بر لحاظ قضیه ی خارجی

علی حاجی جعفری (نویسنده مسئول)

محسن کاشانی (نویسنده همکار)

چکیده

حقیقت شرعی، اصطلاحی در اصول فقه، به معنای واژه وضع (حقیقت) شده در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای معنایی شرعی است. در شرع اسلام همانند دیگر شرایع، برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم به مخاطبان، از واژه‌های متداول میان مردم استفاده شده و اغلب معنایی که از این واژه‌ها اراده شده، میان مردم رایج بوده است؛ ولی برخی از این معانی مراد، برای مردم، بی سابقه و جدید بوده است. از جمله، واژه «توضاً» است که در لغت عرب به معنای «شستن دست» می‌باشد، ولی در نصوص دینی (قرآن و احادیث)، و حتی پس از اسلام در سایر متون، مثل اشعار و اقوال عربی، بیشتر به معنای «وضو» برای اعمال عبادی آمده است. به مانند روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرموده‌اند: «مَنْ سَرَهُ أَنْ يَكْثُرَ خَيْرُ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ، وَ مَنْ تَوَضَّأَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ عَاشَ فِي سَعَةٍ مِنْ رِزْقِهِ، وَ عُوْفَى مِنَ الْبَلَاءِ فِي جَسَدِهِ». با توجه به این اختلاف معنا، ترجمه‌های متفاوتی از این روایت به چشم می‌خورد؛ زیرا بعضی کلمه «فَلْيَتَوَضَّأْ» را در روایت مذکور به معنای «باید وضو بگیرد» و برخی به معنای «باید دستش را بشوید» ترجمه کرده‌اند. در این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای به بررسی این اختلاف در ترجمه که ناشی از اختلاف در بحث اصولی حقیقت شرعی و متشرعی است پرداخته شد و مشخص گردید که از دیدگاه فقهاء و اصولیون، ترجمه صحیح «توضاً» همان شستن دست است نه وضو؛ و اینکه در این روایت از آن به وضو ترجمه شده ناشی از عدم فحص و جستجوی کامل از قرائن موجود در روایات می‌باشد.

کلیدواژه: حقیقت شرعی، حقیقت متشرعی، الفاظ شرعی، توضاً، روایت نبوی

مقدمه

در اصول فقه، قبل از ورود به مباحث اصلی و اصولی و بعد از تعریف، بیان موضوع و هدف علم اصول، مباحث الفاظ مورد واکاوی قرار می‌گیرد. مباحثی که حاوی موضوعاتی همانند وضع، واضح، حقیقت و مجاز، مطلق و مقید، عام و خاص، مجمل و مبین و ... است.

بحث از حقیقت شرعیه به عنوان یکی از مباحث فرعی حقیقت و مجاز، خاستگاه اصلی‌اش در بازشناسی معانی الفاظ از حیث حقیقت و مجاز است؛ لذا محل اصلی بحث از حقیقت شرعیه، در علم لغت بوده اما به مرور زمان در ضمن مباحث کلام و در آثار معتزله در بحث از ایمان و کفر مورد تحقیق قرار گرفت (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۶۶، ص ۱۲۹). در زمان سید مرتضی بحث از حقیقت شرعیه به مباحث اصول فقه وارد شد. سید مرتضی در الذریعه با پیروی از قاضی عبدالجبار حقیقت شرعیه را به لغوی، عرفی و شرعی تقسیم می‌کند (علم الهدی، ۱۳۷۶، ص ۱۰) و برای اولین بار این بحث را در ضمن مباحث اصولی مورد واکاوی قرار داده و این کار ایشان در واقع شروعی برای بحث های بعدی علمای علم اصول در این زمینه بود.

«حقیقت شرعیه» عبارت است از: استعمال لفظ در معنایی که شارع در زمان خودش آن معنا را تعیین کرده باشد. بی‌گمان مسلمانان از برخی الفاظ؛ مانند صلات، صوم، حج و زکات، معانی مخصوص شرعی را می‌فهمیدند که قبل از اسلام در لغت عرب معروف و شناخته شده نبودند. اما بحث و اختلاف در این است که آیا نقل این الفاظ از معانی لغوی و استعمال آنها در معانی جدید شرعی، در زمان شارع به صورت تعیینی یا تعینی بوده، تا در نتیجه «حقیقت شرعیه» ثابت شود، یا این که این نقل در زمان بعد و به وسیله پیروان شرع اتفاق افتاده، تا در نتیجه «حقیقت متشرعیه» ثابت شود، نه «حقیقت شرعیه».

در لایه لای احادیثی که در باب خوردن و آشامیدن وارد شده است به روایتی برمی‌خوریم که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْثُرَ خَيْرُ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ، وَ مَنْ تَوَضَّأَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ عَاشَ فِي سَعَةٍ مِنْ رِزْقِهِ، وَ عُوْفِيَ مِنَ الْبَلَاءِ فِي جَسَدِهِ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹۰؛ مجلسی، ۱۳۹۶ش، ج ۶۳، ص ۳۶۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۴، ص ۳۳۸). لکن ترجمه‌های متفاوتی از این روایت به چشم می‌خورد؛ زیرا بعضی کلمه «فَلْيَتَوَضَّأْ» را در روایت مذکور به معنای «وضو گرفتن» و برخی به معنای «شستن دست» ترجمه کرده‌اند:

- «هرکس قبل از غذا و پس از آن دست‌های خود را بشوید گشایش در زندگی او پدید آمده و از بلاهای جسمانی عافیت می‌یابد» (طبرسی، ۱۳۸۰، ترجمه عابدی، ص ۲۷۵).

- «هر کس قبل از غذا خوردن وضو بگیرد زندگی او با وسعت و برکت می‌گردد و از بیماری‌های جسمی هم محفوظ می‌ماند» (شیخ صدوق، ۱۳۷۷، ترجمه کمره‌ای، ج ۲، ص ۲۷۷).

در این نوشتار در نظر داریم که بررسی کنیم آیا این اختلاف در ترجمه ناشی از اختلاف در بحث اصولی حقیقت شرعیه است به طوری که قائل به حقیقت شرعیه «تَوَضَّأَ» را به معنای شرعی یعنی «وضو گرفتن» و قائل به حقیقت متشرعیه به معنای لغوی یعنی «شستن دست» ترجمه کرده است یا نه؟ و اختلاف در ترجمه علت دیگری دارد؟

پژوهش‌های متعددی در زمینه حقیقت شرعیه و متشرعیه انجام شده است از جمله پژوهش خمینی و داودی (۱۳۹۱) به بررسی ثبوت مطلق یا عدم ثبوت مطلق «حقیقت شرعیه» در الفاظی که «کثیره الاستعمال در معنای غیر عرفی» در لسان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته و پنج قول رئیسیه را مطرح می‌کند و پس از واکاوی دقیق در این مورد، به این نتیجه می‌رسد که هر پنج قول در مورد لغات شرعی ممکن است، و هر لغت باید به طور مجزا بررسی گردد.

ایروانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی حقیقت شرعیه واژه‌هایی چند از جمله: صلات، زکات، صدقه، قرض و ربا پرداخته است.

هرچند پژوهش‌هایی در مورد حقیقت شرعیه و متشرعیه انجام شده اما پژوهشی که به طور خاص به بررسی حقیقت شرعیه و متشرعیه در مورد لفظ «وضو» پرداخته باشد، انجام نشده است. بنابراین در این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع پرداخته خواهد شد.

مفهوم شناسی

۲.۱. حقیقت شرعیه

نقل الفاظی همچون صلات، صوم و مانند این‌ها از معانی لغوی به معانی شرعی به گونه وضع تعینی یا بنحو وضع تعینی در عصر شارع مقدس را حقیقت شرعیه می‌نامند (المحقق الأصفهانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۶). یکی از مباحثی که در علم اصول میان اصولیون محل بحث و گفتگو است، مسأله حقیقت شرعیه است که بعضی به ثبوت آن قائل بوده و برخی دیگر آن را در کل مورد انکار قرار داده‌اند.

۲.۲. حقیقت متشرعیه

مقصود از حقیقت متشرعیه این است که نقل الفاظی چون صلاه، صوم، حج و مانند این‌ها از معانی لغوی به معانی شرعی پس از عصر شارع مقدس در افواه و ألسنه تابعین متشرع، روی داده باشد (مختاری مازندرانی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱).

اگر در عصر شارع الفاظ به صورت مجاز و با کمک قرائن در معانی شرعیه بکار می‌رفت و بعدها در عصر متشرعیه در اثر کثرت استعمال در این معانی حقیقت شدند در این صورت به آن حقیقت متشرعیه گویند. (قلی‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۹۷).

اصطلاح حقیقت متشرعیه که علمای علم اصول مطرح کرده‌اند ناظر به تحول عرفی مفاهیم و دلالت الفاظ است و هنگامی که عرف جدید در حوزه متشرعیه شکل می‌گیرد، در واقع حقیقت متشرعیه به اصطلاح اصولی تحقق می‌یابد. چنان‌که با شکل‌گیری عرف جدید در حوزه شریعت جدید، حقیقت شرعی در قبال حقیقت لغوی پا می‌گیرد و گاهی همین فرایند در مورد تحولات حقیقت و مجاز نیز به وقوع می‌پیوندد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۲۹).

اصولاً عرف، عامل همگرایی نظام‌هاست و تشابه، تقارن و هم زمانی تعامل نظام‌ها را موجب می‌گردد و به تعبیر دیگر عرف، همواره خلأهای نظام‌ها را پر می‌کند (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۲۹). نقل بعضی الفاظ به معنای جدید بعد از عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علمای اصول بر دو مطلب اتفاق دارند:

۱- الفاظی مثل صلاه، صوم، زکات و حج، قبل از اسلام در معانی لغوی خود، یعنی دعا، امساک، رشد و قصد به کار رفته و حقیقت لغوی داشته است؛ این الفاظ به یقین در عصر امام باقر و امام صادق‌علیهما‌السلام و کمی قبل از آن، در معانی جدید، حقیقت شرعی گردیده است؛ یعنی در معانی شرعی به صورت حقیقی استعمال شده است. اما در اینکه آیا منشأ نقل از معانی لغوی به معانی شرعی چیست؟، اختلاف نموده‌اند.

۲- برخی معتقدند این نقل در عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چه با وضع تعینی و چه با وضع تعینی در طول ۲۳ سال انجام گرفته است؛ یعنی به ثبوت حقیقت شرعی در عصر نبوت اعتقاد دارند.

۳- برخی نیز بر این باورند که این نقل در عصر صحابه و تابعان صورت گرفته است؛ یعنی به حقیقت متشرعی معتقدند. ثمره بحث در الفاظی ظاهر می‌شود که بر زبان نبی اکرم صلی الله علیه و آله بدون قرینه جاری شده است؛ زیرا معتقدین به حقیقت شرعی، این الفاظ را بر معانی شرعی، و معتقدین به حقیقت متشرعی، آنها را بر معانی لغوی حمل نموده‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۳۴).

۲.۳. وضو

اگرچه واژه وضو برای ما به منزله مفهومی بدیهی است اما به صورت مختصر از معاجم عربی و فارسی به تعریف آن می‌پردازیم.

الْوُضُوءُ: مصدر، و الوُضُوءُ: ما يَتَوَضَّأُ به، وُضُو مصدر و وُضُو آنچه که با آن شسته می‌شود (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۶).

[تَوَضَّأَ ضُوءٌ] (ع مص) (از: «وضء» دست و روی شستن (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۷۱۲۷).

آنچه از کلمات اهل لغت بدست می‌آید این است که «توضاً» در لغت به معنای شستن «دست» هم می‌آید. (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۴۲؛ ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۲۲۸).

دیدگاه اصولیون پیرامون حقیقت شرعی و متشرعی

اگرچه مشهور اصولیون خصوصاً قدما قائل به حقیقت شرعی هستند (عراقی، آملی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵) و ثمره بحث همانطور که گذشت در روایت نبوی ظاهر می‌گردد به طوری که هرگاه الفاظ عبادت بدون قرینه بر اراده معنای لغوی یا شرعی در این دسته از روایات وجود داشته باشند، طبق قول به ثبوت حقیقت شرعی، الفاظ عبادت بر معنای شرعی حمل می‌شود و طبق قول به ثبوت حقیقت متشرعی بر معنای لغوی حمل می‌گردد (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۷، ص ۲۳)؛ اما برای داوری صحیح به بررسی نظرات علماء اصول در این زمینه می‌پردازیم.

۳.۱. ادله قائلین به حقیقت شرعی

۳.۱.۱. دلیل اول از کاشف الغطاء

«و احتجاج الأئمة عليهم السلام بالآيات القرآنية والأحاديث النبوية المشتملة عليها؛ و استدلال الصحابة و جميع الأصحاب كذلك، من غير ضمّ قرينه مع عدم معارضه الخصم لهم، أبين شاهد على ما قلناه» (کاشف الغطاء، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۴۷).

ایشان بیان می‌کنند از آنجایی که ائمه معصومین علیهم السلام همانند صحابه و تابعین ایشان در احتجاجات خود به قرآن و روایات نبوی که بر الفاظ عبادی و معاملی مشتمل بوده است بدون قرینه استناد می‌کردند؛ این دلیلی است بر اینکه این الفاظ در معانی شرعی خودشان در همان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله حقیقت شده بوده‌اند.

۳.۱.۲. دلیل دوم از میرزای رشتی

میرزای رشتی در بدائع الأفكار اولین دلیل بر ثبوت حقیقت شرعیه را، «عادت» معرفی می‌کند؛ ایشان می‌نویسد: «وقتی عبد کلمه‌ای را به کرات می‌شنود که در غیر معنای اصلی آن استعمال شده در حالی که مولا مراد و مقصود خویش را با قرینه حالیه بیان کرده است، در این صورت بعد از دفعات متعدد ذهن عبد اصلاً به معنای اصلی آن انتقال نمی‌یابد» (میرزای رشتی، بی‌تا، ص ۱۲۲).

۳.۲. دلیل مخالفین حقیقت شرعیه

مخالفان حقیقت شرعیه، وقوع آن را نپذیرفتند اگرچه احتمال عقلی آن را نیز رد نکرده‌اند. یکی از دلایل رد آنها این است که می‌گویند چون عرب حقایق شرعیه را وضع نکرده است پس نمی‌توان آن واژه‌ها را عربی به‌شمار آورد، در نتیجه، وقوع آن، که مستلزم راه‌یابی واژه‌های غیرعربی به قرآن است را با شماری از آیات قرآن که خود را عربی معرفی کرده، در تعارض است (مروج، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۹۴-۹۵؛ قاضی، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۳۸).

۴-۳- رد ادله مخالفین حقیقت شرعیه

در پاسخ گفته‌اند اولاً، این واژه‌ها عربی‌اند، زیرا هرچند در عرف شرعی، حقایق شرعی شمرده شده‌اند ولی نسبت به لغت عرب، مجازات لغوی دانسته‌اند. ثانیاً، در ساختار و اسلوب قرآن عربی بودن آن جلوه‌گر است نه در فقدان واژه‌های معرب یا غیرعربی (ابن شهید ثانی، ۱۳۹۰ش، ج ۱، ص ۳۵-۳۶).

ادله قائلین به حقیقت متشرعیه

علمای اصول بر دو مطلب اتفاق نظر دارند:

- قبل از اسلام الفاظی مثل صوم، صلاه، حج و زکات در معانی لغوی خود، یعنی امساک، دعا، قصد و رشد به کار می‌رفته و حقیقت لغوی داشته است.
- به یقین این الفاظ در عصر امامین صادقین علیهم‌السلام و کمی قبل‌تر از آن، در معانی جدید خود، یعنی در معانی شرعی خود به صورت حقیقی استعمال شده است (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۷، ص ۳۴).

اما اختلاف آنها در این است که منشأ نقل از معانی لغوی به معانی شرعی چیست؟

عده‌ای از علمای اصول بر این باورند که این الفاظ زمانی از معانی لغوی خود هجرت کرده و در معانی شرعی خود حقیقت شده‌اند که فتره طولانی فاصله شده است و به عصر امامین صادقین علیهم‌السلام رسیده باشیم؛ زیرا چنین حقیقتی رهن وضع تعینی است و وضع تعینی محتاج به سپری شدن زمانی بیش از ۲۳ سال است. در بین علمای شیعه کسی که اشتهار به این قول داشته باشد وجود ندارد. اما در بین علمای اهل سنت باقلانی به چنین قولی مشهور است.

«الفاظی مثل صوم و صلاه که آن را به معنای اعمال مخصوص دانسته‌اند، در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به صورت مجاز بکار رفته نه حقیقت و در بین امت اسلامی بعد از وفات ایشان به صورت وضع تعینی استعمال شده و حقیقت متشرعیه بوده است (باقلانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۰).

نقد و ارزیابی

رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۳ سال به طول انجامیده و این زمان با لااقل با احتساب تکرار برخی عبادات زمان کمی به حساب نمی آمده است. مثلاً در مورد نماز و وضو که روزانه ۵ نوبت تکرار می شده است قطعاً امکان حقیقت شدن به نحو تعیینی را داشته است. در مورد امور عبادی نظیر زکات، حج و ... نیز می توان به همین بیان استدلال نمود؛ پس چگونه ممکن است این الفاظ به صورت مجاز به کار رفته و بعد از آن حضرت وضع تعیینی یافته باشند؟! در حالی که استعمال لفظ و اراده معنای مجازی نیازمند قرینه است.

ثمره بحث حقیقت شرعی و متشرعیه

ثمره این نزاع در لسان متشرعیه ظاهر نمی شود زیرا وقتی متشرعیه این الفاظ را استعمال می کنند، یقیناً معنای شرعی را اراده می کنند؛ از این رو ثمره این نزاع در این بحث آن است که قائلین به ثبوت حقیقت شرعی به هنگام مواجهه با الفاظ مستعمل در لسان شارع (قرآن و روایات) در وقت فقدان قرینه، به معنای شرعی آن حمل می کنند و این در حالی است که منکرین حقیقت شرعی لاجرم اینگونه الفاظ را بر معنای لغوی آن حمل می کنند یا اینکه توقف نموده و بر هیچ یک از معانی شرعی یا لغوی حمل نمی کنند. البته توقف بنابر عقیده کسانی است که گویند اگر امر دائر شد بین معنای حقیقی و مجاز مشهور، باید توقف کرد. مثلاً اگر شارع فرمود: «صلّ عند رویه الهلال» قائل به حقیقت شرعی، لفظ صلات را بر نماز حمل می کند و قائل به حقیقت متشرعیه صلات را حمل بر دعا می کند یا توقف می کند (احمدی شاهرودی، ۱۳۹۱، ص ۹۴).

شرح روایت نبوی (..... فَلْيَتَوَضَّأْ قَبْلَ الطَّعَامِ.....)

شیخ طوسی در امالی این چنین نقل کرده:

«أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ الْمَوْسَوِيُّ فِي مَنْزِلِهِ بِمَكَّةَ سَنَةَ ثَمَانِي عَشْرَةَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ نَهْيَكٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكْثَرَ خَيْرُ بَيْتِهِ فَلْيَتَوَضَّأْ عِنْدَ حُضُورِ طَعَامِهِ، وَ مَنْ تَوَضَّأَ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ عَاشَ فِي سَعَةٍ مِنْ رِزْقِهِ، وَ عُوْفَى مِنَ الْبَلَاءِ فِي جَسَدِهِ. وَ زَادَ الْمَوْسَوِيُّ فِي حَدِيثِهِ: قَالَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ: قَالَ لِيَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ، الْوُضُوءُ هَاهُنَا غَسْلُ الْيَدِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ؛ جَمَاعَتِي از ابوالفضل گفتند: ابوالقاسم به ما گفت: احمد بن زیاد به ما گفت: عبید الله بن احمد بن ناهیک گفت: هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام به نقل از پدرانش، از علی علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس دوست دارد که خیر خانه اش افزون شود باید پیش از غذا خوردن وضو بگیرد و هر کس پیش و پس از غذا وضو بگیرد با روزی فراوان زندگی کرده و از بیماری در بدن، به سلامت می ماند. و موسوی [یکی از راویان حدیث] در روایتی افزوده است: هشام بن سالم گفته است حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: ای هشام بن سالم وضو در اینجا، شستن دست پیش و پس از غذا است (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۹۰).

در اینجا ذکر دو نکته ضروری است که به بیان آن می پردازیم:

۱. آنکه سند حدیث فوق صحیح بوده و فقهایی همچون سید محسن حکیم (حکیم، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۵۱۲) و مرحوم میرزا محمد تقی آملی (آملی، ۱۳۸۴ش، ج ۳، ص ۱۴۲)، نه تنها قرینیت این روایت را بر تفسیر «توضاً» به معنای «شستن دست» پذیرفته اند بلکه

این قرینه را حکم و مفسر سایر روایات نیز دانسته‌اند. مانند روایاتی که وضو را برطرف کننده کراهت اکل و شرب برای شخص جنب می‌دانند، اگرچه در مقابل برخی مانند مرحوم میرزا هاشم آملی این نوع حکومت را نپذیرفته‌اند (آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۶۱).

۲. آنکه بر فرض اینکه قرینیت روایت امالی را هم نپذیریم بازهم اختلاف مبانی در بحث حقیقت شرعی، منجر به اختلاف در ترجمه نمی‌شود؛ زیرا روایت نبوی که از طریق اهل بیتعلیه‌م السلام به دست ما رسیده باشد اگر خالی از قرینه باشند بر معنای شرعی حمل می‌شوند؛ علت این امر آن است که معنای متبادر از این الفاظ در زمان ائمه‌علیه‌م السلام همان معنای شرعی بوده است و اگر امام‌علیه‌م السلام می‌دانست که وجود مبارک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله معنای لغوی را اراده کرده‌اند حتماً با آوردن قرینه اذهان عموم را از معنای شرعی به معنای لغوی سوق می‌دادند، کما اینکه در روایت امالی امام صادق علیه السلام از آنجا که می‌دانستند معنای شرعی وضو به ذهن هشام متبادر می‌شود، در ادامه روایت متذکر شده‌اند که مراد از توضاً همان شستن دست است.

مشابه این روایت در منابع دیگر با عبارات مختلف از امامان معصوم‌علیه‌م السلام نیز آورده شده است.

- «الإمام عليّ عليه السلام: غَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ زِيَادَةٌ فِي الْعُمْرِ ... وَيَجْلُو الْبَصَرَ؛ امام علیه‌السلام: شستن دست‌ها پیش از غذا و پس از آن، مایه طول عمر است ... و چشم را روشنی می‌بخشد (الكافي، ج ۶ ص ۲۹۰، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۶ ص ۳۵۳، ح ۶).

- «الإمام الباقر عليه السلام: الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ يَذْهَبَانِ بِالْفَقْرِ؛ امام باقر علیه‌السلام: وضو گرفتن قبل و بعد از غذا فقر را از بین می‌برد (المحاسن: ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱۵۹۲)

- «المحاسن عن الجعفری عن أبي الحسن [الكاظم أو الرضا] عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ يُثَبِّتُ النَّعْمَةَ؛ امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام: وضو قبل و بعد از غذا مؤید برکت است (المحاسن: ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱۵۸۷؛ بحار الأنوار: ج ۶ ص ۳۵۶، ح ۱۵).

- «قال ابو عبدالله الصادق عليه السلام: مَنْ غَسَلَ يَدَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ بُرِكَ لَهُ فِي أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ، وَعَاشَ مَا عَاشَ فِي سَعَةِ، وَ عَوْفَى مِنْ بُلُوَى فِي جَسَدِهِ؛ امام صادق علیه‌السلام: هر کس قبل و بعد از غذا دستهایش را بشوید، در اول و آخر آن غذا به او برکت داده می‌شود و تا زنده است در نعمت به سر می‌برد و از بیماری جسمی در امان می‌ماند (فیض کاشانی، غفاری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶).

- «الأخبار الدالة على أن صاحب المنزل أول من يتوضأ قبل الطعام و آخر من يتوضأ بعده، كرواية محمد بن عجلان عن أبي عبد الله عليه السلام؛ روایاتی که حاکی از آن است که صاحب خانه اولین کسی است که قبل از غذا وضو می‌گیرد و آخرین وضو می‌گیرد بعد از آن، مانند روایت محمد بن عجلان از امام صادق علیه‌السلام (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۴۶۵).

مراد از وضو در این روایات، وضو به معنای متعارف نیست، بلکه مقصود از آن، معنای لفظی آن است، یعنی نظافت و شستن دستها، و شاهد بر آن فتاوای فقهاء متقدم و متأخر در این زمینه است که همگی به استحباب شستن دستها قبل و بعد از غذا فتوا داده‌اند و در فتاوای خود نامی از وضوی مصطلح به عنوان عمل استحبابی وارده در روایات نیاورده‌اند. طبیعی است که منبع فتوای همگی شان همین روایات پیش گفته بوده و فهم ایشان از این روایات چنین بوده است. (محقق اردبیلی (مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱۱، ص ۳۳۶)؛ مرحوم کلینی (الكافي، ج ۶ ص ۲۹۰)؛ محدث کاشانی (الوافی، ج ۲۰، ص ۴۶۵)؛ صاحب الوسائل (وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۳۸)؛ صاحب مناهل (المناهل، ص ۶۷۵)، محدث نوری (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص ۲۶۷)، محقق خوئی (التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۵۱۰)؛ صافی گلپایگانی (توضیح المسائل، مسأله ۲۶۴۵)؛ شبیری زنجانی (توضیح المسائل، ج ۲، مسأله ۲۶۴۵)؛ تبریزی (توضیح المسائل، مسأله ۲۶۴۵)؛ فاضل لنکرانی (توضیح المسائل، مسأله ۲۷۶۹).

نتیجه گیری

در این نوشتار به بررسی حقیقت شرعیه و متشرعیه پرداخته شد و دیدگاه‌های قائلین به حقیقت شرعیه و متشرعیه بررسی شد، قائلین به ثبوت حقیقت شرعیه به هنگام مواجهه با الفاظ مستعمل در لسان شارع (قرآن و روایات) در وقت فقدان قرینه، به معنی شرعی آن حمل می‌کنند و این در حالی است که منکرین حقیقت شرعیه اینگونه الفاظ را بر معنای لغوی آن حمل می‌کنند یا اینکه توقف نموده و بر هیچ یک از معانی شرعیه یا لغویه حمل نمی‌کنند. البته در ما نحن فیه و روایتی که ذکر شد، اختلاف فتوایی یافت نشد و اگرچه ترجمه‌های متفاوتی وجود داشت. لکن مشخص گردید که منظور از توضاً همان شستن دستهاست نه وضو گرفتن و این قطعیت رد برداشت معنای صحیح نه به دلیل کمک گرفتن از بحث حقیقت شرعیه یا متشرعیه بلکه به کمک قرینه لفظی و در کلام بود؛ قرینه لفظی تصریح امامعلیه‌السلام در متن حدیث باعث شد که به قرینه سیاقی یا همان صدور روایت نبوی از لسان امام صادقعلیه‌السلام است که خود دلیلی بر معنای شرعی وضو است عنایتی نشود. بنابراین طبق بررسی روایات از دیدگاه فقهاء و اصولین، ترجمه صحیح توضاً همان شستن دست است نه اصل وضو و اینکه از آن به وضو ترجمه شده ناشی از عدم فحوص و جستجوی کامل از قرائن موجود در روایات می‌باشد و لذا لازم و ضروری است ترجمه متون دینی به فقهاء و اصولین واگذار شود تا طبق علم خود آن را ترجمه و استخراج کنند نه به کسانی که فقط از فن ترجمه آگاهی دارند و از بطن حدیث هیچ نمی‌دانند، زیرا فقیه و مجتهد بر خلاف سایر اشخاص پس از اینکه در منابع دینی به جستجوی آن پرداخت و از یافتن قرائن متقن ناامید شد رو به ترجمه دینی می‌آورد نه فقط صرف برخورد با یک روایات پس فقیه بهترین شخص برای یافتن ترجمه جامع و کامل است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی‌تا)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، بی‌جا.
۲. احمدی شاهرودی، حسین (۱۳۹۱)، شرح اصول فقه، چاپ اول، قم: طلوع مهر.
۳. ایروانی، جواد (۱۳۹۴)، کارآمدسازی مبحث «حقیقت شرعیه»، جستارهای فقهی و اصولی، سال اول، شماره ۱، ص ۳۵-۵۶.
۴. آملی، محمد تقی (۱۳۸۴)، مصباح الهدی فی شرح العروه الوثقی، ج ۳، [بی‌جا]: [بی‌نا].
۵. آملی، میرزا هاشم (۱۴۰۶ق)، معالم المأثوره، ترجمه محمدعلی اسماعیل پورقمشه ای، چاپ اول، قم: المطبعه العلمیه.
۶. باقلانی، محمد بن طیب (۱۴۱۸ق)، التقریب و الارشاد (الصغیر)، ج ۱، بیروت: چاپ عبدالحمید بن علی ابوزنید.
۷. حسن بن زین الدین شهید ثانی (صاحب معالم) (۱۳۹۰ش)، معالم الدین و ملاذالمجتهدین (المقدمه فی اصول الفقه)، چاپ سیزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. حکیم، سید محسن (۱۳۹۱ق)، مستمسک عروه الوثقی، جلد ۲، چاپ چهارم، قم: دارالتفسیر.
۹. خمینی، سید حسن؛ داودی، رشید (۱۳۹۱). بررسی حقیقت شرعیه با رویکردی بر نظر امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، سال چهاردهم، شماره ۵۷، ص ۱۹-۶۰.
۱۰. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، موسوعه الإمام الخوئی، ج ۴، چاپ اول، قم: مؤسسه چاپ آثار الإمام الخوئی.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا، جلد ۵، چاپ اول، تهران: روزنه.

۱۲. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۹۷)، الموجز فی اصول الفقه، چاپ بیست و ششم، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، وسائل الشیعه. ج ۲۴، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
۱۴. شیخ صدوق (۱۳۷۷ش)، الخصال، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، ج ۲، چاپ اول، تهران: کتابچی.
۱۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، الامالی، چاپ اول، قم: دارالثقافه.
۱۶. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۸۰)، الادب الدینیہ للخرانه المعینیہ، ترجمه احمد عابدی، چاپ اول، قم: انتشارات زائر.
۱۷. _____ (۱۳۷۰)، مکارم الأخلاق، چاپ اول، قم: الشریف الرضی.
۱۸. عراقی، ضیاء‌الدین؛ آملی، هاشم (۱۳۷۰)، بدائع الافکار فی الأصول (العراقی). نجف اشرف: المطبعه العلمیه.
۱۹. علم الهدی، سید مرتضی (۱۳۷۶)، الذریعه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸)، قواعد فقه عمید زنجانی، چاپ دوم، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق)، الوافی، ج ۲۰، چاپ اول، اصفهان: العامه.
۲۲. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، غفاری، علی اکبر (۱۴۱۷ق)، المحجبه البیضاء، ج ۳، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، مصباح المنیر، چاپ دوم، قم: دارالهجره.
۲۴. قاضی، عبدالجبار بن احمد (۱۳۸۴)، شرح الاصول الخمسه، ج ۱، قاهره: چاپ عبدالکریم عثمان.
۲۵. قلی زاده، احمد (۱۳۷۹)، واژه شناسی اصطلاحات اصول فقه، چاپ اول، تهران، بنیاد پژوهشهای علمی و فرهنگی نور.
۲۶. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر (۱۴۲۰ق)، کشف الغطاء عن خفیات مبهمات شریعه الغراء، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، ج ۶، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۶)، بحار الانوار، ج ۶۳، ۶۴، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. محقق اصفهانی، شیخ محمد حسین (۱۴۱۴ق)، نهاییه الدرایه فی شرح الکفایه، ج ۱، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۳۰. مختاری مازندرانی، محمدحسین (۱۳۷۷)، فرهنگ اصطلاحات اصولی، چاپ اول، تهران: قلم ایران.
۳۱. مروج، سید محمد جعفر (۱۴۲۸ق)، منتهی الدرایه فی توضیح الکفایه، ج ۱، چاپ اول، قم: انتشارات طلعه نور.
۳۲. میرزای رشتی، حبیب الله بن محمدعلی. (بی تا) بدائع الأفکار، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، چاپ اول، بیروت، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.